



# آرمان

نشریه دبیرخانه خارجی  
سازمان دانشجویان دموکرات ایران

# ۶۱ آر



مصطفی بزرگنیا



ناصر قدسی



شریعت رستوی

جنبش دانشجویی ایران، همانند بخشی از نهضت ضد امپریالیستی و دسکراتیک کشور ما، برخوردار از رستن درخشان مبارزه است. دانشجویان ایران همواره در و ش بد و ش خلق خود در راه استقلال ملی، دسکراسی و پیشرفت اجتماعی رزمید مانند در کامیابی ها و ناکامی های و نیز شریک بود مانند برای درک عمیق ریشه های تاریخی تحول، چشم انداز جنبش دانشجویی بررسی کوتاه ویژه گی های و وضع کنونی ایران ضروری می نماید:

### ویژگی های وضع کنونی ایران

-----

۱- جامعه امروزی ایران جامعه ایست پرتضاد. مهم ترین این تضاد ها عبارتند از:

میان مصالح مصلی و فرمانروایی امپریالیست های چپا و لگر، تضاد میان منافع خلق و یاز مانده های نظام فئودالیسم، تضاد میان خواست های آزادی خواهانه مردم پوریزم خود گامه محمد رضا شاه پهلوی.

رژیم ایران از یکسو، از طریق تبلیغات جنجالی و سرسام آور خود، وجود این تضاد ها را انکار میکند و از سوی دیگر با دست یازی به برخی رفوهم های غالباً نیم بند و عقب نشینی های گاه گاهی میکوشد تا از حد تأنها بکاهد. آزمون سالهای گذشته نشان میدهد که نوشد، آرومی تجویزی رژیم، یعنی اتسیریح تکامل سرمایه داری در ایران، نه تنها در مردم براد و انخواهد کرد، بلکه بسیاری از تضاد های نامیرد مراشدت خواهد بخشید.

۲- در هم آمیزی و هم پیوندی اقتصاد کشور ما با سرمایه های انحصاری امپریالیستی، سیاستی که با لجاجتی پیگیرانه دنبال میشود و از طریق اقدامات نادرست و زیان بخش اقتصادی دولت تحقق می پذیرد، به تا هنجاریها و نا هما هنگی های مزمن انجام میدهد. با وجود افزایش چشمیارد درآمد نفت، تورم شتابان، بیکاری مصیبت زا، و خامت شرایط زندگی و دیگر بلا یای اقتصادی گریبانگیر اکثریت عظیم مردم میباشد.

۳- رژیم شاه از یکسویه نظامیگری و گسترش همان گسسته تسلیحات برداخته است و از سوی دیگر سیاستی تعرض آمیز، سیادت جوانه و د اخله گرانه نسبت به کشورهای همسایه ایران، بجز طبع جنبش های اریه ایی بخش ملی و پیشرفت جوی خاور میانه، اتخاذ کرده است. گرایش شش زده ای در رهنه بین المللی بعد از رژیم کنونی ایران نهی سازد. شاه ایران در کنار مرتجع ترین عناصر جنگ طلب امپریالیستی، در نقش ژاندارم منطقه امنیت و صلح کشورهای مجاور ایران و قیاموس هند را مورد تهدید قرار میدهد.

۴- رژیم شاه که خود زاد نکود تالی امپریالیستی ۲۸ مرداد می باشد و سال ها است که تنها پیمایری سیا است - سرور ۱۹ اختناق و سرکوب هر آوا و جنبش مخالف خود به حیات شو مشراد ا مه مید هد ، اینک آشکارا در راه فاشیستی کردن تمام شئون اجتماعیهی گام بر مید ارد ، تحمیل اصل فاشیستی پیشوایی شاه ، گسترش دیکتاتوری فردی وی ، تقدیس نظامی اصطلاح شاهنشاهی آریا مهری و اجبار عموم مردم به عضویت حزب شهابخته " رستاخیز " مظاهرا صلی این توطئه ضد ملی و ضد د مکرانیک است .

تاریخچه جنبش دانشجویی ایران



پس از این توصیف مختصر و ویژه گی های وضع کنونی ایران ، نگاه ی کوتاه به تاریخچه جنبش دانشجویی در ایران بیا فکنیم :

نخست باید یاد آور شویم که هدف ما در اینجا یک بررسی عمیق و دقیق تاریخی نیست ، پژوهش تاریخ پرفرا زوشیب تحول نهضت دانشجویی ایران کاری است پس سود مند و در عین حال دشوار که به همت و کوشش گروهی نیا زمتد است و بد بختانه ، بجز چند مورد استثنایی و گرانقدر ، همچنان خلایق در فعالیت های نشریاتی این جنبش بشمار میرود . منظور از این یاد آوری ها ی تاریخی شهادت رک بیشتر برخی پدیده ها و مسایل است که در زیر ذکرا ن خواهد رفت .

جنبش دانشجویی ایران نزدیک به چهل سال پیش با تاسیس مدارس عالی و نخستین

دکتر تقی ادرانی



دانشگاه ایران ، یعنی - - - - - دانشگاه تهران ، آغاز میگردد . پیدایش این جنبش در شرایط تسلط امپریالیسم و دیکتاتوری رضا شاه مبتنا به واکنشی در برابر محرومیت ها ستگری ها و بی قانونی های جامعه آنروز بود . عوامل فوق ، همرا ه با رهنمایی های روشنگران و تجویز آمیز نیروها و عناصر مترقی ، سبب گشت که دانشجویان خیلی زود بعنوان یک نیروی آگاه و مهوراد صحنه فعالیت اجتماعی شوند .

اتصاف دانشجویان دانش سرای عالی در سال ۱۳۱۵ ( نخستین جنبش اتصافی دانشجویی در ایران ) در سکوت گورستانی آن دوران مانند بعب صد آ کرد . این اتصاف و اتصافیات پیاپی دیگری در سال های ۱۳۱۶ - ۱۳۱۵ در نشکده فنی ، دانشکده پزشکی و دانشکده حقوق دانشگاه تهران دانشکده طوبی و ادبیات ، دانشکده انجام گرفت از آن جهت جالب است که در عین مبارزه برای خواست هنهای

دهر زحمتکشان ایران  
و مبارز شهید راه کومینم

صنعتی، نشانها گاهی فزاینده اجتماعی و سیاسی دانشجویان ایران بود. روشن است که حکومت قلد ررضاشاه با توسل به روشهای گوناگون - تنظیم و تهدید، توقیف و غیره - از تشکيل سازمانی این جنبش جلوگیری میکرد. با واژگونی دیکتاتور رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ مردم ایران، از جمله دانشجویان، از برخی آزادیهای نسبی برخوردار شدند. فعالیت های دانشجویان و نیروهای هواخواهان آنها در راه تشکيل سازمانی آغاز گشت و در اوائل سال تحصیلی ۱۳۲۴-۱۳۲۳ به پایه گذاری اتحادیه دانشجویان دانشکده های پزشکی، داروسازی، دندان سازی و آموزشگاه عالی مامانی انجامید. برغم تشبثات محافل ارتجاعی در داخل دانشگاه و خارج از آن، بهیروز ایجاد سازمان های قلابی دانشجویی، در سال های ۱۳۲۵-۱۳۲۴ دانشجویان دانشکده های فنی، علوم و کشاورزی نیز سازمان های خود را تشکیل دادند.

سرکوب نه خست مکرر تیک آذریا بجان و کردستان ویی آمد های اختناق آمیز آن در سراسر کشور بر جنبش دانشجویی نیز بدون تاثیر نماند و فعالیت های آنرا موقتا متوقف ساخت. از اواسط سال ۱۳۲۱ که جنبش ملی و د مکر تیک و بیار مر و بیار و ج هیرفت، فعالیت های دانشجویی نیز احیا شد و اندک اندک گسترش یافت. در سال تحصیلی ۱۳۲۸-۱۳۲۷ ولیای دانشکده کوشیدند تا با طرح تهدید نامه ای دانشجویان را از هرگونه فعالیت صنفی و سیاسی محروم سازند. مبارزه بر ضد این تهدید نامه به تشکیل "سازمان موقت دانشجویان کوی دانشگاه" منجر گشت. پس از شبیه کودتای ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ ده های از مبارزترین دانشجویان دانشگاه تهران را قریانی ترور و اختناق رژیم شدند. اعتراض دانشجویان مقیم کوی دانشگاه تهران به شرایط زندگی خویش در آبان - آذر ۱۳۲۸، در تاریخ ۱۹ آذر ماه ۱۳۲۸ به پایه گذاری "سازمان موقت دانشجویان کوی دانشگاه" انجامید.

در جریان اعتصاب چهار ماهه دانشجویان دانشکده پزشکی در سال ۱۳۲۹ و دانشجویان بیش از پیش به غسروستایی ریزی سازمان واحد و تشکيل صنفی پی بردند. پس از تشکیل سازمان دانشجویی در دانشکده های مختلف، در ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۲۹ نمایندگان منتخب سازمانها برای تشکیل سازمان دانشجویان دانشگاه تهران گرد آمدند و در ۱۲ اردیبهشت ماه در میتینگ باشکوهی در محوطه دانشگاه تهران، تاسیس "سازمان دانشجویان دانشگاه تهران" (توسو) را اعلام کردند. در دوران ملی شدن صنعت نفت نه خست ضد امپریالیستی و د مکر تیک ایران، از جمله جنبش دانشجویی، به اوج خود رسید. دانشجویان ایران د و شریک و شر خلق خود، علیه استعمار و د راهد ف های آزادی خواهانه نه خست ملی گام برداشتند. اما آنها حتی در آن دوران نیز از توطئه های نیروهای ارتجاعی ایمن نبودند. این نیروها با راهبده سیسه علسیه جنبش دانشجویی و "سازمان دانشجویان دانشگاه تهران" دست زدند.

کودتای "سنا" - ساخته ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به ارتجاع اخلی و خارجی امید آترا بخشید که آرزوی دیرینه مکتبوزانه خود را برای تلاش قطعی جنبش دانشجویی برآورد سازند. بلافاصله پس از کودتای ۲۸ مرداد دانشجویان دستگیر و بازداشت شدند و از فعالیت قانونی و ملی "سازمان دانشجویان دانشگاه تهران" جلوگیری بعمل آمد. با اینهمه، دانشجویان از همان فردای کودتای ۲۸ مرداد توطئه ضد خلقی و ضد دانشجویی را محکم کردند و آمادگی خود را برای پیگردار جنبش ضد رژیم کودتای اعلام داشتند.

طی حکومت کودتای همبستگی خود را با هم پیمان خویش شویت رساندند. چنانکه مشهور است، "شعبان بی منج" معروف، که با تمام دیگر اوباشان درباری در کودتای ۲۸ مرداد شرکت فعال داشت، روز ۲۱ آبان به دانشگاه رفت و آشکارا در حضور دانشجویان و استادان فریاد زد: "در این طویله را ببندید".



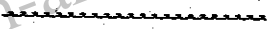
یسور سرسازان شاه علیه مبارزات مردم

با پاهای اقدامات خیانت آمیز کودتای فعالیت های مقاومت آمیز مردم دانشجویان ایران نیز ادامه یافت. در ۱۶ آذر ماه ۱۳۳۲ دانشجویان دانشگاه تهران شرکت خود را در اعتراضات مردم تهران علیه توطئه ضد روابط دیپلماتیک با بریتانیا و دولت چارلز نیکسون، معاون رئیس جمهور وقت آمریکا، اعلام داشتند. حکومت کودتای برای جلوگیری از این اعتراضات و هدای از نظامیان را برای اشغال دانشگاه فرستاد. آنها برای دستگیری و متن دانشجویان دانشگاه هفتی مستقیماً به کلاس در سر وقتند. اعتراضات سرسوز و دانشجویان با این عمل و قیاحانه تها تها دید مسلحانه نظامیان روپوشند. استاد و دانشجویان به نوسوان اعتراض کلاس درس را ترک گفتند. رئیس دانشگاه هفتی پس از این عمل سرانگیز نظامیان و بعنوان اعتراض به نقض اصل استقلال و حرمت دانشگاه، تعطیل دانشگاه را اعلام داشت. موجی از خشم خروشان دانشگاه هفتی را فرا گرفت. فریاد "دست نظامیان از دانشگاه بکنند" از هر گوشه هشتین می افکند. در این هنگام نظامیان رگبار مسلسل را بر روی

دانشجویان میهن پرست گشودند و سخن از آنها را: مصطفی بزرگ نیا (تودهای) ، مهدی شریعت رضوی (تودهای) ، احمد قسد جسی (جیبه ملی) بضرر گلوله های درآوردند . عد کثیری از دانشجویان زخمی و یاد ستگر شدند . بدنیال این جنایت رژیم ، بعد از ظهر ۱۶ آذر دانشگاه تعطیل گشتود دانشجویان فردای آنروزها عصاب همگانی برداختند . روزهای

۱۷ و ۱۸ آذر مردم تهران با شرکت وسیع دانشجویان و دانش آموزان دبیرستانها به راهپیمایی بلبریتا نیا بازید نیکسون و بویژه مور شد . مشتاقانه نمایان به دانشگاه و قتل سه دانشجوی بیگناه اعتراض کردند . دامنه اعتراضات چنان وسیع بود که حکومت کودتا مجبور شد ظاهرا از عمل نظامیان " ابرازندامت " و از نیا ماندگان شهیدان " دلجویی " کند . ولی بگواهبخشناه محرمانه ای که نخستین بار در " سپردم " ارگان مرکزی حزب تودهای ایران چاپ شد ، این ابرازندامت " و " دلجویی " چیزی جز ریاکاری و مردم فریبی نبود و وسیع ترین نظامیان مربوطه آنها دانشمندی " و " ششویق " بهره مند شدند .

بدینسان ۱۶ آذر بعنوان مظهر بیکارم متحد دانشجویان میهن پرست علیه امپریالیسم ارتجاع خون آشام در تاریخ درخشان جنبش دانشجویی ایران ثبت شد . دانشجویان ایران ۱۶ آذر را روز دانشجویان ایران اعلام داشتند و هر سال با تجلیل از خاطره شهیدان دانشجویان را به سر خود را برای شعار " اتحاد - مبارزه - پیروزی " بشیوت میرسانند .  
جنبش دانشجویان ایران در خارج از کشور



در سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد ، با تشدید تروری و اختناق در ایران و وجود امکانات نسبتا مساعد تردد در خارج ، مرکز نقل بسیاری از مبارزات دانشجویی به خارج منتقل شد . تشکیل " کنگد راسیون محملین و دانشجویان ایرانی در اروپا " در سال ۱۳۳۹ ( این سازمان در وینال بعد به " کنگد راسیون جهانی محملین و دانشجویان ایرانی " تغییر نام یافت ) فرآورد شرایط نویی بود که بموجب آن بسیاری از مسئولیت های سنگین نهضت دانشجویی ایران به عهد دانشجویان ایرانی مقیم خارج گذاشته شد . " کنگد راسیون " در سال های نخست حیات خود توانست با فعالیت های دامنه دار خویش گروهی نسبتا وسیع از دانشجویان مقیم خارج را در چهارچوب فعالیت ملی برای دفاع از حقوق و منافع صنفی و سیاسی آنها متشکل سازد .

متاسفانه ، بهریر زمان ، زبیرتا غیر عوامل گوناگون داخلی ( بویژه وابستگی های

طبقاتی ) و خارجی ( بویژه نفوذ ماژوتیسم ) و همچنین رخنه ها مرصد کمونیست و مشکوک ، رفته رفته نیروهای چپ روچپ نما بهر هبسی " کنگد راسیون " تسلط یافتند و سرشت آنرا بعنوان یک سازمان زمان تودهای ، ضد امپریالیستی و دکراتیک دانشجویی درگون ساختند . ملی انحرافی مسلط بر " کنگد راسیون " ، که بویژه از طرف ماژوتیست هاد نپسال میشود ،

موجب گشت که این سازمان بتدریج پایگاه خود را از دست بدهد، به تفرقه در میان دانشجویان دامن زند، وسیله‌ای برای شناساندن نیروهای مخالف به پلیس ایران و کشورهای خارجی شود و سرانجام به بحران، بن‌بست و انشعاب کنونی منجر گردد.

پایه‌گذاری "سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران"

باتوجه به تحولات پیشگفته در آغاز سال ۱۳۵۴ "سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران" طی اطلاعیه‌ای کسبه نخستین بار در "آرمان" نشریه دبیرخانه خارجی این سازمان بدین شرح رسید، پایه‌گذاری خود را اعلام کرد. "سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران" پس از اشاره به تشدید تروریسمی رژیم دیکتاتوری شاه طبعیه میهن پرستان و آزادی خواهان ایران، و خیمه‌تر شدن زندگی مادی زحمتکشان کشورها، افزایش بی‌سابقه استعمار داخلی و گسترش سلطه امپریالیسم در ایران و تصریح بی‌وسنگی پدیده‌های نامبرده، اعلام داشته است که:

شرایط کنونی تشدید بازهم بیشتر مبارزه سازمان دادن به ترویسوچ تره مبارزه متحد ساختن همه نیروهای مبارز جوانان و دانشجویان را ایجاد میکند. از اینجاست که جوانان و دانشجویان آگاه و مترقی ایران بر آن شده‌اند که با تشکیل "سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران" با این خواست شرایط کنونی پاسخ گویند و در انجام وظایفی که در برابر آنها قرار دارد، کام نوبینی بردارند.

"سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران" همراه با خلق‌های ایران و دبیروند ناکستنی با وظیفه‌گزارگر همه زحمتکشان ایران، از هر زمان و گروه سیاسی و صنفی، چه دانشجویی و چه غیردانشجویی، که صادقانه در مبارزه ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری شرکت کنند و برای اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری بکوشد، پشتیبانی و با هر نیرو و طایفه‌ای که پیکار ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری خلق‌های ایران را تضعیف کند و در اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری موجب اختلال ویرا کند کی شود، قاطعانه و بی‌گیرانه مبارزه خواهد کرد.



تظاهرات "سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران" در ایتالیا بر طبع رژیم تروریست خنثاقت شاه

"سازمان جوانان و دانشجویان د مكرات ايران" و ظائفكلى خوشبريا بشرح زیر بر می شمرد :

۱- مبارزه با تسلط اقتصادی ، سیاسی و نظامی امپریالیسم ، بمرکز د کسی امپریالیسم

آمریکاد رایران ،

۲- مبارزه با رژیم ضد ملی و ضد د مكراتيك شاه ،

۳- مبارزه برای اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد د یکتا نوری بطور عموتیسروهای ضد امپریالیستی و ضد د یکتا نوری د رین جوانان و دانشجویان بطور اخص ،

۴- مبارزه برای دفاع از حقوق صنفی و سیاسی جوانان و دانشجویان ،

۵- پشتیبانی از جنبش های ضد امپریالیستی و د مكراتيك در سراسر جهان ،

"سازمان جوانان و دانشجویان د مكرات ايران" متذکر شد هاست که این سازمان د شرایط ترور و اختناق کونی فعالیت پنهانی دارد ، ولی در عین حال خواهد کوشید از تمام امکانا تطنی برای پیشبرد هدف های خود استفاد بکند .

با توجه به شرایط خاص و نسبتا مساعد تردد خارج از کشور ، "سازمان جوانان و دانشجویان د مكرات ايران" فعالیت های علمی خود را د خارجه بعهده میگذرید بیرونه خارجی قرار داد هاست . یگا هی به صفحات "آرمان" ، "بولتن اطلاعاتی" (بزبان های انگلیسی و آلمانی) و د یکنشریات "د بیرخانه" که منسکس کنند فعالیت آست ، نشان مید هد که این سازمان بسا کوشش پیگیرانه برای پیشبرد هدف های نامبرد ه مبارزه میکند .

سیاست ضد دانشجویی رژیم شاه

مهمترین علل

رژیم کودتاد ریحاتا ۲۱ ساله منحوس خود به عبث کوشید هاست بجای کاش و شطرنج نارضایی دانشجویان و کوشش برای رفع آنها ، خواست های منطقی اینان را با اخراج ، اعزاز ، بمریازخانه ها ، زندان ، شکنجه ، تبعید و حتی اعدامها سر کوبید . رژیم د ربهترین حال سعی داشته است که مقاصد شوم خود را زبروشتر "سالم سازی" (یعنی تبدیل دانشجویان به انسانهای بملبله و شتاخوان "انقلاب سفید" ) ، ترتیب جلسات "گفت و شنود" و حتی تشکیل انجمن های دانشجویی "قلای بمرحله اجراء آورد . اما این جلسات "گفت و گو" ظالما به محافل بحث و انتقاد دانشجویان تبدیل میشد و هوچیات آبروریزی "موظف گران" و مسئولان "اقناع" را فراهمی ساخت . انجمن های قلای دانشجویی نیز ، که حق انتخاب آزاد را از دانشجویان سلب میکرد ند ، به صحنه مبارزه دانشجویان برای خواست های صنفی و اجتماعی آنها بدل و طبیعا بزودی تعطیل شدند .

بنابر این شگفت نیست که شاهد ریکی از کنفرانس های با اصطلاح "ارزیابی انقلاب آموزشی" ، خشمگین و اعتراض آمیز ، بری اصد مین بار اعلام داشت : "۰۰۰ ما همیشه گفته ایم که محیط علمی باید خارج از سیاست باشد . . . . ولی همین د دانشجویان ، همینکه د خارج از محیط علمی هم تلاه گرائی ترخ بلیت اتوبوس اعتراض کردند ، د سجد ستم و نرسریازخانه ها و شکنجه گاهها ی شاهنشاهی می شوند .



این واقعیتی است که دانشجویان ایرانی ناراضی اند. طلب ناراضی آنها را در عدم توجه دولت به منافع آنها، در نارسایی دستگاه آموزشی و در سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم شاه باید دید.

بنا بر آخرین آمار رسمی دولت از ۸ میلیون کودک هجدهمین دبستانی تنها قریب ۵/۵ میلیون نفر به دبستانها جلبشده اند. شمار هجده ختران مدرسه مرد هاست از ۲۵ درصد جمیع کودکان دبستانی روستا کمتر است. کمبود کادر آموزگار، متجاوز از ۱۵۵ هزار نفر میباشد. در حالیکه در سال ۱۳۴۱ تعداد بیسوادان جمعیت شش سال به بالا ۱۲/۳ میلیون نفر بود، در سال ۱۳۵۱ این رقم به ۱۴/۲ میلیون نفر افزایش یافته است.

کمتراز ۲۰ درصد نوجوانان از آموزش حرفهای و دبیرستانی برخوردار میشوند. تحصیل دانشگاهی شامل ۶/۱۴ درصد جوانانی می شود که در این سن قرار دارند. برای سال ۱۳۵۵-۱۳۵۴ از ۱۹ هزار داوطلب امتحانات همگانی روی سه برشته نزدیک به ۲۸ هزار نفر در دانشگاهها و موسسات عالی پذیرفته خواهند شد.

این ارقام، با آنکه قاعدتاً به نفع رژیم مبالغهآمیز و بعضی اوقات آشکارا متناقض میباشد. ناگامی سیاست فرهنگی رژیم کنونی را - هر چند بطور ناقص - بازمی ناید و عیار "انقلاب آموزشی" شمار نشان میدهد. دولت بخود میبالد که "در فاصله هرسال اخیر اعتبارات خود چه برای آموزش ابتدائی جهان را برسد ما است". از جانب ما این یاد آوری در این مورد کافی است که در همان مدت بودجه وزارت چنگذر ۳۰ برابر گذشته است!



سیستم آموزشی ایران سیستمی است طبقاتی، بر پایه اطلاعات "واحد آمار و اطلاعات موسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی کشور" (۱۳۵۲) ۴۸۴ درصد دانشجویان را فرزندانی بازرگانان، صاحبان صنایع، قشر کوچکی از کارمندان بخش خصوصی و پیشهوران تشکیل میدهند. هفت درصد دانشجویان از میان خانواده های بومی خیزند که "با درآمد کشاورزی امرار معاش میکنند" (مالکیکن کوچک و بزرگ). دو درصد شغل پدران خود را کارگر "نوشته اند (بدون تعیین کار) و یک درصد "کشاورز". هفت درصد دیگر دانشجویان با این پرتش که "پدرشما به چه کاری مشغول است؟" پاسخ دقیق ندادند.

آموزش عالی در ایران پاسخگوی نیازمندیهای اقتصادی و اجتماعی کشور نیست. بنا بر آمار رسمی در سال تحصیلی ۱۳۵۲-۱۳۵۱ بیش از ۷۶ درصد دانشجویان در رشته های نظری و غیر فنی (۳۱ درصد در رشته های علوم انسانی، ۲۷ درصد علوم تربیتی، ۲۴ درصد هنرهای زیبا، ۱۴ درصد علوم طبیعی) تحصیل میکردند. تنها ۸ درصد آنها در رشته مهندسی، ۴ درصد کشاورزی و ۱۲ درصد پزشکی آموزش دیده اند.

نایسامانی ها و نارسایی های آموزش عالی به پیشگفته بستند نمی شود و زمینه های پیشمار

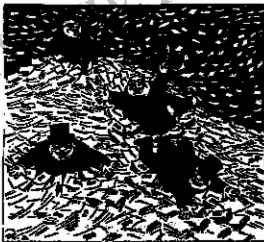
دیگر، از جمله کمبود کسب در آموزشی، کتاب و وسایل فنی، بی هدفی و عدم متابق برنامه های تحصیلی با تازه ترین دستاورد های علمی و فنی، شهریه های سنگین، سه ساله کنکور و فقدان موازین در مکتب، گداز دانشگاه در بر میگیرد.

روشن است در جامعه واپس ماندن ایران، دانشجویان علاوه بر منافع منفی خویش، مانند افراد بالغ ورشد یافته اجتماع، نسبت بسرنوشت هم میهنان خود نیز، که اکثریتشان از ابتدائی ترین حقوق و مزایای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی محرومند، علاقه خاص نشان میدهند. آنها می بینند که امپریالیسم، نهان و پنهان، به نفع کشورشان می پردازد، میلیاردها ریال از طرف رژیم شاه در راه نظام فیکری و تجاری و نیمکشورهای همسایه سرف می شود و بدیهی ترین آزادی های انسانی هموطنانش از جانب "ساواک" نقض میگردد.

وضع نایسامان اقتصادی ایران

—————

د برررسی وضع اقتصادی ایران در سال گذشته و حال دیدیم و بارز چشم میخورد. از کسب و کار سال ۱۳۵۳ درآمد کشور ما از نفت جهشوار از نزدیک به چهار میلیارد دلار به بیش از ۲۰ میلیارد دلار افزایش یافت. این بیکره نزدیک به دو برابر مجموع تولید ناویژه ملی و هفت برابر برابری تولید کشاورزی ایران در سال ۱۳۵۰ می باشد. از سوی دیگر، روند درآمدی هر چه پیشتر سرمایه های انحصاری خارجی و هم پیوندی با اقتصاد امپریالیستی تشدید میگردد. برغم تبلیغات شاه و جرجیان رژیم، رشد نسبتا سریع درآمد ملی را، هنوز رشد همه جانبه اقتصاد، بل کدر میزان استخراج نفت و ترقی بی سابقه بهای آن باید دید.



رشد اقتصادی کشور بسیار نا هماهنگ است. صنایع سنگین رشد ناچیز و صنایع سبک، همچنان نقش قاطع در اقتصاد ایران دارد. کشاورزی و دامپروری در حقیقت سیر قهقهرایی را طی میکنند. ایران، که در گذشته صادرکننده فراورده های کشاورزی بود، امروز از واردکنندگان عمده محصولات کشاورزی بشمار می آید.

سیاست درآمدی سرمایه های داخلی با سرمایه های خارجی، که تا چند سال پیش

بصورت جلب سرمایه های خارجی و تشویق در هم آمیزی آنها با سرمایه های خصوصی و دولتی نمودار میشد، اکنون با افزایش جهش وارد درآمد نفت و جذب سرمایه های ایران به کشورهای سرمایه داری پیشرفته، بعواضات افسوسناک سرمایه گذاری در ایران، خصلتی ویژه پیدا کرده است.

از این گذشته، منابع هنگفت کشور به تشدید دیوانهوار نظر میگردد.

و گسترش ارتش و دستگاه پلیسی اختصاص می یابد. مطابق ارتقا رسمی، هزینه های نظامی دولت ایران در سال ۱۳۵۴ برابر با ۲۵۰ میلیون ریال می باشد. این رقم در حدود ۱۶ درصد تولید ناویژه ایران را در بر می گیرد و پنجاه درصد بودجه کشور را تشکیل می دهد. بسخن دیگر در سال ۱۳۵۴ به هر فرد ایرانی بابت هزینه های نظامی ۲۳۵۰۰ ریال تخصیص شده است. در حالی که رقم مشابه برای اهالی کشورهای اروپایی، عدوناتو، بر مبنای مخارج نظامی سال ۱۹۷۳، حدود بیست دلار می باشد. باید یاد آورد که سطح زندگی در این کشورها سه تا چهار برابر بالاتر از ایران است. هزینه یک فرد مسلح ایرانی در حدود ۴۰۰ هزار ریال در سال برآورد شده است. ولسی دولت در برابر این هزینه هنگفت نظامی تنها ۸۵۰۰۰ ریال در سال خرید می کند. محصل می کند.

عواقب شوم سیاست اقتصادی نامبرده در زمینه های گوناگون زندگی مردم، به ویژه زحمتکشان، نمایان می شود:

گراتی روز افزون کالاها و خدمات مورد نیاز مردم، تورم سرسام آور (در حدود ۱۶۰ درصد) ، کمبایی و ناپایی اقلام ضروری زندگی، در عین حال، باید یاد آورد که حداقل دستمزد ها در سطح کشور به ۱۰۰ ریال در روز هم نرسد و دستمزد های روزانه ۲۰ تا ۶۰ ریالی برای بیشتر کارگران زن پدید می آید. بنا بر این، نباید تعجب کرد که بسیاری از کارگران مجبورند برای رفح اما محتاج زندگی روزانه بیش از ۱۴ ساعت کار کنند.

سیاست نظامیگری و تجاوزکارانه شاه

یکی از علل عدم نظامی گری اقتصاد ایران همبستگی وهم پیوندی رژیم شاه با مرتجع ترین محافل امپریالیستی است. این سیاست بویژه در کمک به تقویت مواضع امپریالیسم در خلیج فارس، تکیه و توسل به قدرت نظامی برای سرکوب جنبش های آزاد بخش و انقلابی منطقه حجاز و ایران سیادت جویی در خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند، مداخله در امور داخلی کشورهای همسایه و حتی کمک تسلیحاتی به برخی دولت ها و در دستهای ارتجاعی کشورهای دور دست نمایان می شود.

برغم ادا های میهن پرستانه، نمایان شاه، رژیم و نقش ژاندارم منطقه را بعد از گرفته است و مجری سیاست ضد صلح ملیتاریست های جهانی و انحمارات نفتی می باشد.

ادولت ایران عوامفریبانه مخالفت خود را با جنبش نوری و های دریایی "کشورهای بیگانه" در خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند، برآورد ولی در عمل از ایجاد پایگاه های هسته ای و موشکی آمریکا و انگلیس در جزایر پگوگاریا، بحرین و صیریه هواداری می کند.

شاهد رضا هر باطرح اتمیت جمعیتی در آسیای شرقی موافق نشان می دهد ولی در همان حال با پیشنهاد طرح همکاری منطقه ای گسترده - یعنی یک گروه بندی نظامی تازه از ایران تا ژاندارم نو، مبتکر بند و بست های نظامی جدید میگردد. وی از یکسو خواستار است که امنیت خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند، به کشورهای منطقه قرار گیرد و از جانب دیگر ما نورهای دریای امپریالیسم آمریکا را در اقیانوس هند ضروری می شمرد و ورود ناوگانهای آمریکایی را به دریای عمان و خلیج فارس.

خوش آمد میگوید.

در سال های گذشته دولت ایران، بمشوریه ششپایانی از محافل ارتجاعی پاکستان به انواع تحریکات در بلوچستان پاکستان و علیه جنبش ملی بلوچ در بلوچستان ایران و پاکستان دست زد. ما است. تحریکات بی دریغ در مرزهای عراق، هند اخله غیر مستقیم و مستقیم در مورد اخلی این کشور، کمک های نظامی به جناح راستگرد های عراق و کشکرکشی به کشور همسایه یکی از مهاجر یا رزسیاست تعرض جویانها ایران در سال های اخیر بود که خوشبختانه به شکست انجامید و شاه راه حلی مسالمت آمیز اختلافات مجبور ساخت.

یکی از گستاخانه ترین نمونه های سیاست تجا و زکارانه دولت ایران در اخله نظامی در عمان است. سپاهیان شاه همیشه از سال است که وزیر نظرس کارشناسان انگلیسی و پاپهای مزدوران پاکستانی، هندی، اردنی و استرالیایی به کشتار جمعی مردم این سالها برداختند. غرض از این لشکرکشی پاسداری از سلطنت قرون وسطایی قابوس، سرکوب جنبش رهایی بخش ظفا و اعمال فشار به جمهوری دموکراتیک تودهای یمن است.

ولی شاه، که همین پرستان ظفا را بارها "چند نفرو حششی و بیسواد" خواند ما است، بتقلید از اربابان آمریکایی خود در ویتنام، هزاران جوان بیگناها ایرانی را رهسپار کشتارگاه ظفا روانه نمود و همای بسیاری از آنها را ازاد ارمیکند.

آخرین اخبار رسید از عمان حاکی است که همین پرستان "جبهه خلقی برای آزادی عمان" برفعالیت جنگی خود علیه سلطان قابوس و ارتش های مزدور و بطور محسوس افزوده اند و سه دشمن از لحاظ نفرت و مهمات تلفات زیاد ی وارد آورده اند.

دانشجویان ایرانی، مانند دیگر صبرمیهن پرستود مکرکات کشورها، ایمان دارند که سیاست توسعه طلبانه دولت ایران محکوم به شکست است. آنها اعزام جوانان ایرانی را برای دفاع از منافع فارنگران امپریالیستی شدیدا محکوم میکنند و پیروزی آزادی خواهان ظفا را خواستارند.

بعوازا تروریستی تکامل سیاست اقتصاد بیخارجی رژیم ایران بسود ارتجاع اخلی و امپریالیسم خارجی، سیاست ضد دموکراتیک حکومت کودتا پاپا به گداری حزب فاشیستی وشه ساخته "رستاخیز ملت ایران" وارد مرحله نئی شد ما است.

شاه، پس از کودتای ۲۸ مرداد، برپایه تغییراتی که به نفع قدرت مطلقه خود در قانون اساسی ایران وارد آورده، در واقع کلیه قوای دولتی را در دست خود متمرکز ساخته است. مجلس شورای ملی و سنا به اداره مثبت "منویات ملوکانه" تبدیل شده است. سالهاست که در ایران استقلال قضائی وجود ندارد. رژیم ذادگاهها و ادراسان راه آلت اجرای زورگویی های خودتبدیل کرده است. دادرسی مشهمین سیاسی، برخلاف نص صریح قانون اساسی، با حضور هیئت منصفه انجام نمیکند. اینگونه محاکمات به دادگاههای نظامی محول شده است و در محاکم در بسته صورتی پذیرد. دادگاههای نظامی در بسته جسز بیقانونی و پیروی کورکورانه از اوامرها و امپری قانونی نمی شناسند. در ایران احزاب، سندیکا های کارگری و اتحادیه های صنفی

از جمله آنچنین های دانشجوی ممنوع است. از آزادی قلم، بیان و اجتماعات خبری نیست. مطبوعات تحت سانسور شدید پلیس قرار دارد. زندان ها از انبوه زندانیان آکنده است.

بيك سخن، رژیم شاه در هر لحظه و هر جا مفاد قانون اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر را - که پیش از یک ربع قرن پیش به تصویب مجلس ایران رسید - صد ها بار نقض میکند. در واقع، آنچه در ایران میگذرد اوج بی اعتنائی رژیم به بدیهی ترین حقوق بشری است.

"ساواک"، همانند ابزار اصلی حکومت خود کاه شاه، یکی از دشمن ترین و وحشتناک ترین سازمان پلیسی است که در برخی از "شاهکارهای" خود دست فاشیست های هیتلری را زینت بسته است. سازمان امنیت در حقیقت شیشه سر رژیم شاه را در دست دارد. بنابراین، بی دلیل نیست که این سازمان چینی زیر نظارت مستقیم شاه اداره میگردد. گفته میشود که سه سپهبد نهمی، رئیس ساواک، فعالیت های شوم در دستگاه و مطویل خود را تقریباً ساعت به ساعت به شخص شاه گزارش میدهند. فرح یکبار اعتراض کرد که او شام تا ساعت سه نیمه شب بیدار ماند تا تا مهران ساواک یکی از متهمان رویداد کاخ مرمر را بنزد شاه آوردند.



آیت الله سعیدی  
در زیر شکنجه های  
رژیم شاه همیشه اذیت  
رسید



مهران پدالطهی  
آدمکشان شاه  
اورا بقتل رساندند

ساواک میهن پرستان ایران را تحقیق میکند، به زندان میاندازد و شکنجه میدهند. شمار زندانیان سیاسی ایران دقیقاً معلوم نیست. تعداد آنها در مطبوعات غربی تا ۱۰ هزار محدود شده است. در میان آنها کارگر، دهقان، دانشجو، روحانی، هنرمند، نویسندگان، سرباز، آفسر و خلاصه نمایندگان تقریباً همه قشرهای جامعه ایران یافت میگردند. بسیاری از زندانیان سیاسی یا آنکه سالهاست بدون دادرسی در سیاهچالهای شاه بستمیبرند و یا آنکه مدت ها است در آن حبس آنها بی پایان رسیده است و کماکان در بند هستند.

بگفته اند استان کل ارتش ایران "آند ستها" زندانیان نیکه جوان هستند و قدرتی دارند باید آنقدر در زندان بمانند تا پیر و طویل و فرسوده بشوند و سپس از زندان خارج گردند. دستگیری که نسبتاً سالخورده هستند آنقدر بمانند تا جنازه آنها سنان از زندان خارج شود."

علی خاوری، صفر قهرمانی، عباس حجری، تقی کی منش، محمد علی موسوی، رضیاشلتوکی، موریخی دیگر از زندانیان سیاسی سالیان دراز است که از زندانی به زندانی دیگر منتقل میشوند.

صابر محمد زاده، آصف رزم دیده، زرقانی، جعفری، اکو رزی، شریفی، فریدون پاکزاد، مرتضائی فرودهای دیگر بدت هاست که دوران محکومیت شان سپری شده است و با اینحال هنوز در رشت میله های زندان بستمیبرند.



مهدی رضایی  
مجاهد  
شهید

در سال های پس از کودتاهای بسیاری از زمین پرستان را



زیر شکنجه گشته اند. وارطان سالخانیان، محمود کوچک شوشتری، کلیا زاخاریان، پیروسیز حکمت جو، هوشنگ تیزایی، ستوان مغزوی، حسین خربری شهاب چند نمونه از قربانیان در خیابان ساواک هستند. جنایتکاری رژیم شاه بجایی کشید ما ست که اکنون به ما بودی جسمی زندانیسان دست میزند. آخرین نمونه این آدم کشی ها کشتار گروه جزئی بود که با اصطلاح "در حال فرار" بخراب گلوله محافظین ازبای درآمدند.

علی خاوری، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران که در زندان شاه به رهبر برد

ساواک برای کسب اقرار و تابود کردن زندانیان

مقاوم سیاسی ازبکار بردن نفرت انگیزترین و بد منشانه ترین

روش های شکنجه با ندادن مواد راینجا تنها برخی از این روش های "مدرن" را که تاکنون فاش شده ما ست برمی شمیریم. استفاده از نوعی اجاق برقی برای "کیاب کردن" بدن لخته مسموم، نمایش اعدام زندانی تا آستانه تیرباران، استفاده از جانوران وحش را، شکنجه بستگان زندانی و بیو بیژن کودکان او در برابر چشمش، شلاق سیمی، کشیدن ناخن ها، استعمال بطری شکسته، شوک برقی وغیره. بعید نیست که شکنجه گران ساواک و مشاوران آمریکایی و اسرائیلی آنها در این بیست و هفت روش های "مدرن تری" کشف یا ابداع کرده باشند.



هوشنگ تیزایی در شکنجه گاه رژیم ازبای درآمد.

برغم انکارات ابلهانه شاه بهر دو روشی های مذبحخانه ساواک، نقض ابتدائی ترین حقوق بشری در ایران دیگر ازبای است که شود. و افکار صومالی جهان، از جمله جامع گوناگون بین المللی مانند "انجمن بین المللی حقوق دانان مکررات" و "فدراسیون

بین المللی حقوق بشر"، سازمان بین المللی عفو و کمیته های دفاع از زندانیان سیاسی ایران در کشورهای خارجی، به بارها به پیغام های نامیرد و اعتراض کرد مورطایت حقوق بشر را در ایران خواستار شده اند. در آخرین گزارش به البانیه "سازمان بین المللی عفو" میخوانیم: "در حالیکه



شاه ایران به نیکوکاری تظاهر میکند، ایران از لحاظ شمار اعدامها مقام نخست را در میان کشورهای جهان حائز شده. در این کشور از ادگاه های مدنی خبری نیست و ماجرای شکنجه ها، داستانسی است باور نکردنی."

تظاهرات جوانان بود انشجویان در مکررات ایران در دفاع از زندانیان سیاسی ایران که در شهریور ماه ۱۳۵۴ در شهر قزوین برگزار شد. تظاهرات کنندگان عکس شهید پرویز حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران را بعنوان سبیل مقاصت در پیشا پیشه سفک حمل میگردند.

و فتح کنونی ایران، جوانان و دانشجویان ایرانی را، جهد رد اخل و جهد رخارج از کشور، در برابر وظایف سنگین و حساس گوناگونی قرار میدهد. اما بعقیده " سازمان جوانان و دانشجو د مکررات ایران "، مهم ترین وظیفه همه ما در این لحظات خطیر کوشش در راه همبستگی و اتحاد جمیع نیروهای ملی و ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری در مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه است.



آزمون تاریخ نشان میدهد،

تا هنگامیکه پراکنده گی و تشتت نیروهای مخالف رژیم ادامه یابد، شاه خود کاه پیبیداد خانمان سوز خود ادامه خواهد داد، امپریالیست ها با آزی فزاینده، همچنان به چپاول ثروت ملی مشغول خواهند بود و فضای میهن ما مختلق تر نفس گیر تر خواهد شد.

رفقا بدرالدین مدنی، صفر قهرمانی، حمید قاهریمان، محمد علی پیدا، پرویز حکمت جو، عزیز یوسفی در زندان برازجان

گسترش امکانات مساعد جهانی و اعتلای جنبش ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری در ایران ایجاب میکند که با تمام قوا و هم پیمان و همگام با زحمتکشان کشورمان، با هرگونه بیسه آشفتنگی انگیز دشمن و تلاش های فتنه جویانه انقلابی تا همه سا بر رژیم

صفر قهرمانی بیش از ۲۹ سال است که در زندان شاه پسر میرد، او مظهر فد آکاری و نمونه ای از زندانی قهرمانی است که بهترین سال های عمرش را در س میله های زندان شاه گذرانید. صفر قهرمانی یکی از برجسته ترین و مقاوم ترین مبارز راه کمونیسم است.

نخستین سلاح در پیکار با دشمن متحد، پیکار متحد است.

از مبارزه متحد شهید ابرزگ نیا، شریعت رضوی، قدحی سرمشق بگیریم:

متحد شویم و برای سرنگونی رژیم شاه مبارزه کنیم!

شانزدهم آذرماه ۱۳۵۴



## دفاع از زندانیان سیاسی وظیفه هر میهن پرست است

آرمان

نشریه دبیرخانه خارجی

شماره بانکی

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

آدرس پستی

G. Sobich  
Kreissparkasse Recklinghausen  
Fil. Dorsten-Holsterhausen  
Girokonto 1656974

Gustav Sobich  
427 Dorsten  
Friedenau 3  
West-Germany

**ARMAN**

Review of the Foreign Bureau of the Organization of Democratic Youth and Students of Iran

Price: 0,50 DM or its equivalent in all other countries